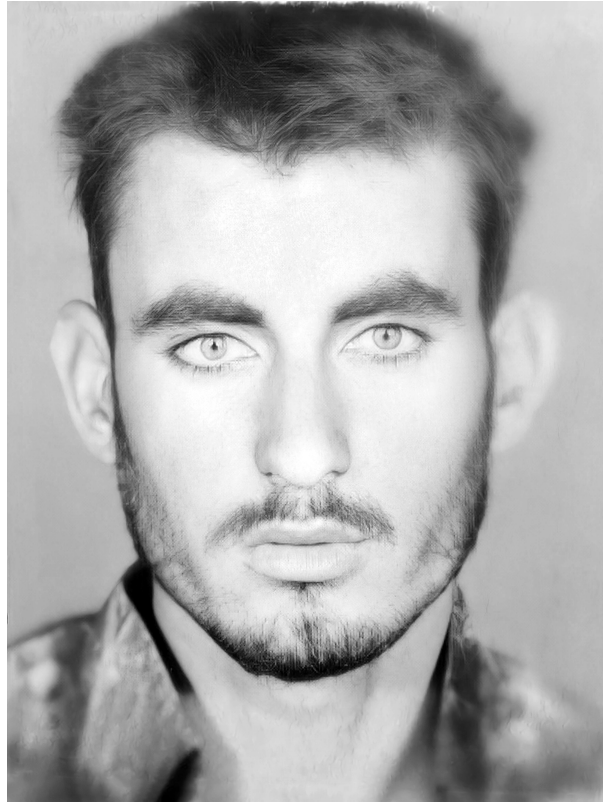


شہید غلامرضا احمدی



از بشارت علی
سماں جامع سرداران و دہشتگردان استان بوشهر

نام پدر	محمد
تاریخ تولد	۱۳۳۹/۰۲/۰۴
محل تولد	بوشهر – تنگستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۰/۱۱/۱۶
محل شهادت	اهواز
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	سرباز نیروی زمینی ارتش
شغل	—
تحصیلات	دوره ابتدایی
مدفن	روستای باغک

زندگینامه

اصل و نسب:

پدرش محمد نام دارد و مادرش ماه زینب، محمد که پدر شهید می باشد پس از درگذشت پدرش به نام حسین همراه مادرش در سن ۱۴ سالگی از گورک به باغک مهاجرت می کند و در کاکلی باغک سکنی می گزیند. مادر بزرگ شهید که شوهر خود را از دست داده بود در این روستا ماندگار می شود و از طرف اهالی خانه ای در اختیار آنها قرار می گیرد تا در آن منزل گزینند. محمد بزرگ می شود و با دختری که اهل قریه جوی باغک بوده ازدواج می کند.

این خانواده بسیار مستمند روزگار سخت معیشت را در کنار اهالی باغک تجربه می نمایند و از طرف اهالی روستا مورد توجه قرار می گیرند.

قریه محل سکونت را بدان جهت کاکلی می گویند که زمین جلگه ای و شور حاشیه این روستا محل رویش گیاه خودرویی بنام کاکل می باشد که از طرف اهالی مورد استفاده غذایی قرار می گیرد و این محل را به این وجه کاکلی می گویند. در صفحه ۴۹۴ فرهنگ نامه بوشهر نوشته دکتر حمیدی کاکلی را از توابع دهستان باغک معرفی کرده است.

حاج محمد و ماه زینب مرد وزن پاکدامنی بوده اند که در سخت ترین شرایط زندگی به رشد و نمو اولاد خود توجه ویژه داشته اند.

ولادت:

غلامرضا احمدی در فصل بهار سال ۱۳۳۹ روز چهارم اردیبهشت در روستای کاکلی باغک پا به عرصه وجود می گذارد. او اولین فرزند خانواده است که بهار عمر را در بهار طبیعت می بیند و مادر گریه های کودکانه او را در لابه لای آواز عندلیب جستجو می کند.

بهار است و عطر شکوفه های گلستان با رایحه دلنواز حی علی الصلوه و حی علی الفلاح در هم می آمیزد و صدای لالایی مادر با سرود مرغان، دیوان شعر جدیدی را برای این خانواده به ارمغان می آورد.

فرزند متولد می شود و مادر بزرگ که فرزندی بنام غلامرضا داشته است با عشق و علاقه این نام را برای او انتخاب می کند. اما این بار این نام برای نوه خود برگزیده است «غلام رضا» رضا در فرهنگ فارسی خشنود معنا شده است.

چاکری و غلامی آل محمد (ص) نه تنها سیره اجداد ما بوده است که از افتخارات ما نیز بشمار می رود. غلام حسن، غلام حسین، غلام علی و غلام رضا همه اسامی ای هستند که در بین ما رواج دارد.

امام رضا (ع) امام هشتم شیعیان است که علی نام دارد و کنیه او ابوالحسن است. این امام همام به رضا معروف بوده است. عشق و ارادت خالصانه شیعیان به ستاره هشتم آسمان ولایت و امامت پیروانش را و می دارد تا نام مقدس آن بزرگوار را برای فرزندان خود انتخاب نمایند.

وقتی که به لالایی مادر گوش می دهیم می شنویم که او می گوید:

«مولا لا می گنم تا زنده باشی غلام حضرت فاطمه باشی»

این بیت از لایلی، با احساس خاصی بیان می شود گاهی اوقات با بیان این جمله اشک از چشمان مادر سرازیر می شود.

امرار معاش:

معاش را وسیله زندگانی معرفی کرده اند. پدر شهید که خود تلخی زندگی را به علت یتیمی با تمام وجود احساس کرده بود فرصتها را از دست نداد و به کسب و کار روی آورد و در شرایط آن زمان به دنبال روزی حلال رفت تا دست نیاز جز به آستان حق به کسی دراز نکند و به آنچه خداوند به عنوان روزی به او می داد قانع بود به مصداق این حدیث نبوی که:

أَفْلَحَ مَنْ هَدَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَ كَانَ عَيْشُهُ كِفَافاً وَ قَنَعَ بِهِ
هر که به اسلام راهبر شده و لوازم زندگی به قدر رفع حاجت دارد و بدان قناعت کند رستگار است.

پیمودن مسافت های زیاد به وسیله چهارپا با توجه به نبود وسیله نقلیه در آن زمان معیشت را بر او سخت و طاقت فرسا کرده بود اما خداوند سختی معاش را وسیله محو گناهان قرار داده است.

در نهج الفصاحه چنین آمده است که:

إِنَّ مِنَ الذَّنُوبِ ذُنُوبًا لَا يُكَفِّرُهَا الصَّلَاةُ وَلَا الصِّيَامُ وَلَا الْحَجُّ وَلَا الْعُمْرَةُ يُكْفَرُ الْهَمُومُ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ

بعضی گناهان هست که نماز و روزه و حج و عمره آن را محو نمی کند فقط گرفتاری در طلب معاش آن را نابود می کند.

غلامرضا نیز در این معیشت سخت پدر را یار و یاور بود.

او پس از ترک تحصیل به کار روی آورد، با پای پیاده کیلومترها را برای طلب روزی طی می کرد و به خرید و فروش مشغول گردید، سپس در پروژه احداث راه چغادک به خورموج نیز کارگری کرد.

وی در ۱۵ سالگی به بحرین سفر کرد و دو ماه نیز در آنجا به کسب و کار پرداخت.

تحصیلات:

مقطع ابتدایی:

تحصیل را از سال ۱۳۴۶ در دبستان دادگر باغک شروع کرد و تا کلاس سوم درس خواند.

مسافت خانه تا مدرسه نزدیک به ۲ کیلومتر بود که غلامرضا با پای پیاده طی می کرد. سرانجام در همان مقطع ابتدایی ترک تحصیل می کند، از علل ترک تحصیل را می توان به تنگدستی و فشار و مشکلات معیشتی و دلایل دیگر ذکر کرد.

اولین مدیران این مدرسه در بدو تأسیس مرحوم خورشید منصوری و مرحوم احمد رستم زاد بوده اند.

جبهه و جنگ:

غلامرضا احمدی در سال ۱۳۵۹ که مقارن با جنگ تحمیلی بود به خدمت سربازی فراخوانده شد و پس از طی دوره آموزشی به مدت سه ماه در نیروی زمینی ارتش مشغول به خدمت گردید. وی در عزیمت به جبهه در منطقه جنگی جزابه به دفاع از کیان اسلامی پرداخت.

شهید غلامرضا احمدی پس از ۱۸ ماه خدمت در لباس مقدس سربازی در قسمت تسلیحات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در حالی که ۲۱ سال و ۹ ماه و ۱۹ روز از عمرش می گذشت در تاریخ ۶۰/۱۱/۲۳ در جزابه به دیار باقی شتافت. وی که با غلامرضا زنده بودی دوست صمیمی و هم‌رزم بود یک هفته پس از شهادت او به حق می پیوندد «این خبر زمانی به پدرش می رسد که وی در مراسم هفتمین روز شهادت غلامرضا زنده بودی حضور داشت».

شهید غلامرضا احمدی که دومین شهید روستای باغک می باشد دو ماه و چهارده روز پس از شهادت نعمت الله تهمتن بر روی دستان مردم شهید پرور تشییع می گردد و در بهشت عسکری باغک به خاک سپرده شد.

سجایای اخلاقی

یکی از ویژگیهای بارز اخلاقی غلامرضا احمدی مردم بود.

در سنین پایین به کار و تلاش روی آورد تا پدر را در مشقات زندگی تنها نگذاشته باشد او برای رسیدن به این منظور روز و شب را نمی شناخت در کمک کردن به اهلالی در امر باغداری بدون داشتن چشم طمع دریغ نمی کرد. در تمام طول عمرش در روستا تا زمان شهادت هیچ کسی از او آزرده خاطر نبوده بلکه به عنوان یک جوان شاخص زبانزد مردم بود.

او احترام به والدین و مادر بزرگش را فراموش نکرد و می توان گفت او خود را وقف ایشان کرده بود. ویژگیهای فوق او را به جوانی محبوب و مهربان در محل تبدیل کرده بود.

خاطرات

«کمک به هم‌نوع»

خانواده ای در محل بود که فرزند نداشت و مدتها بود که بچه دار نشده بودند اما کمک غلامرضا به آن خانواده برای انجام امور روزمره تا حدی بود که آنها فراموش کرده بودند که بچه دار نیستند، آری او آن طور برخورد کرده بود که گویی فرزند آنها بود.

« به نقل از همسایگان شهید »

«مادر بزرگ»

مادر بزرگ پیر و سالخورده ای داشت که نابینا بود. به او خیلی احترام می گذاشت آن قدر که دیگران را به حیرت واداشته بود کفش هایش را جفت می کرد، سجاده اش را پهن می کرد و سفره اش را مهیا می نمود.

در یکی از روزها مادر بزرگ خود را بر چهارپا سوار نمود و به آبگرم اهرم که ۲۰ کیلومتر تا باغک فاصله دارد برد و سختی این مسیر را به خاطر مادر بزرگش به خود هموار نمود. « به نقل از همسایگان شهید »



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران